فروشگاه ، بزرگترین سایت تخصصی معماری

جهت مشاهده آموزش نرم افزارهای معماری از صفر تا ۱۰۰ با زبان فارسی و با

کمترین هزینه اینجا را کلیک کنید.

جهت مشاهده نقشه ها ، پایان نامه و طرح های نهایی آماده معماری جهت کانسپت

گرفتن و یا تحویل پروژه اینجا را کلیک کنید.

جهت مشاهده مقالات ، رسالات و مطالعات نهایی آماده معماری جهت تحویل

پروژه اینجا را کلیک کنید.

بزرگترین سایت تخصصی معماری WWW.CADYAR.COM

جهت عضویت در کانال ما در تلگرام کافیست روی عکس زیر کلیک کنید.

برای انجام پروژه های عمران و معماری با ما تماس بگیرید.

۰۹۹۰۷۵۳۰۹۲۰

آیدی تلگرام https://t.me/Cadyar٦٠

آیدی تلگرام https://t.me/Cadyarmemar

ایمیل Vrya.cadyar@gmail.com

جهت مشاهده مطالب زیر به صورت رایگان کافیست روی لینک روبرو عنوان موردنظر کلیک کنید

دانلود رایگان کتب معماری HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=473

آموزش رایگان پست پروداکشن در معماری HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=262

دانلود رایگان مقالات معماری HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=1377

دانلود رایگان نقشه های معماری HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=206

دانلود رایگان رساله و مطالعات معماری HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=1300

آموزش رایگان نرم افزار های معماری HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=283

جهت مشاهده مطالب کاربران مهمان که مطالب خود را به صورت رایگان و یا در قبال هزینه به اشتراک گذاشته اند در سایت کدیار اینجا کلیک کنید.

شما نیز میتوانید مطالب خود را در سایت کدیار به اشتراک بگذارید تا بدونه هیچ هزینه ای صاحب شغل دوم شوید. جهت اشتراک گذاشتن مطالب خود اینجا را کلیک کنید.

جهت دریافت هرگونه رساله و مطالعات معماری با قیمت پایین با ما تماس بگیرید.

۰۹۹۰۷۵۳۰۹۲۰

قسمتی از رساله طراحی رساله طراحی موزه هنر و مجسمه در ۱۱۷ صفحه در قالب ورد:

ایران کشوری با سابقه تمدن چند هزار ساله است که در مطالعه هر دوره تاریخی آن با شواهد بسیاری مبنی بر توجه به علم و دانش روبرو هستیم و از مدارس و مراکز علمی فراوانی که درحکم دانشگاه های امروزین بوده اند نشانی به دست آوریم. مدارسی که از لحاظ هنر معماری بی بدیل اند. چنین سابقه تمدنی و قدمت مدرسه سازی این پرسش را در ذهن متبادر می کند که چرا مدارس و دانشگاه های امروزین ما در فضای مناسبی قرار ندارند و چرا توان ساخت و سازه های مناسب و در خور، با عملکرد آن، جای

خود را به بناهای بی روح و نامتناسب با کارکرد آن داده است و چرا در ساخت مدارس و دانشگاه ها کمتر به فضای پیرامونی و چشم اندازه های بنا توجه می شود و ده ها پرسش دیگر که همگی در ساخت و سازه های امروزین با بناهای گذشته خودمان و ساخت و سازه های امروز جهان به ذهن خطور می کند.

بی تردید این پرسش ها و نیز جای خالی چنین بناهایی در شهرهای با سابقه تمدن و تاریخ بیشتر نمایان می شود که می توان تمامی پرسش های فوق را در خصوص آن مطرح نمود. مطلب قابل بیان دیگر آن است که پرسیده شود چرا در بسیاری از دانشکده های هنر و معماری در شهرهای مختلف ایران به ویژه آن شهرهایی که سابقه تاریخی دارند، دانشکده ها در ساختمانهای قدیمی و تاریخی شهر قرار دارند؟ آیا علت این کار ایجاد ذهنیت هنری در دانشجویان است؟ یا آن که این فضاها مناسب از بناهای امروزی هستند؟

جدای از ایجاد ذهنیت هنری در دانشجویان است؟ یا آن که این فضاها مناسب از بناهای امروزی هستند؟ جدای از ایجاد ذهنیت هنری برای دانشجویان که حتی می توان به شیوه های دیگری القاء می شود نمی توان از عدم تناسب این بناها که غالباً مسکونی بوده اند و حتی امروزه شیوه های زندگی و الگوی ساختمان سازی برای خانه نیز تغییر یافته است برای دانشکده معماری غفلت کرد این پایان نامه در صدد است با ارائه طراحی برای دانشکده هنر و معماری دانشگاه جای خالی این رشته را در این مجموعه وسیع نشان دهد. متأسفانه سنت چند مدرسه سازی در جامعه ایران سیر تکاملی خود را به خوبی طی نکرد و

مدارس نظامیه ی آن روز که در واقع تعلیم و تربیت در سطوح عالیه ی جامعه را بر عهده داشت و تقریباً برابر با دانشگاه های دوره های بعدی بود تداوم یافت و باقی مانده آنها نیز یک سویه شده و تنها به مدارس علمیه تبدیل گشت و تعلیم و تربیت دیگر دروس در آنجا متروک گشت و حتی در دوره های از تاریخ ایران در این مکانها سخت گیری نیز نسبت به تدریس و یا آموزش برخی دروس از جمله حکمت و فلسفه ابراز شد. ایده آل جامعه آن بود که دانشگاه های امروزی در کنار نظامیه ها و در تداوم آنها پا به عرصه ی وجودی نهاد حال آن که معلم و تخته سیاه روبه روی حجم و در محور اصلی کلاس نیمکتهای در یک ردیف و پشت سر هم و دانشجویان رو به تخته سیاه و معلم متکلم الوحده همگی پیدایش برتر و تازه تر از نشستن های شانه به شانه و بحث و جدل های دسته جمعی به شمار آمد.
مدارس سنتی، دارای حیاط مرکزی، ایوانهای شرقی و غربی و گنبد خانه، حوض وضوی وسط و باغچه های دو طرف، اطراف حیاط، همگی به کناری گذاشته شود و جای خود را به اتاق های پشت سر هم در دو طرف راهروهای طویل و بی احساس داد. ساخت مدارس که زمانی شاهکارهای روز بود و هم اکنون نیز مورد ستایش واقع می شوند. متوقف شده و آموزش علم در بناهایی رواج یافت که به کلی با فرهنگ، بیگانه بود. تعارض فرهنگ و معلم از نخستین لحظه های آموختن.
فرضیه ما آن است که اگر قرار است در نگرش های معماری تجدید نظری شود چه خوب است که این کار در دانشگاه آغاز شود. با این تصور که بیش از هر چند باید یک بنای مناسب با عملکرد هماهنگ با نوآوری ها و تکنیک ها و برای ایجاد دانشکده هنر و معماری در فضای دانشگاه ساخته

شود. این پایان نامه در هشت فصل و یک مقدمه تنظیم شده است.
مجسمه‌سازی، تندیس گری یا پیکرتراشی هنر همگذاری یا ریخت (شکل) دادن به اشیاء است. این با هم قرار دادن یا ریخت-دهی ممکن است در هر اندازه یا با هر سازمایه‌ای (مصالحی) انجام گیرد.

به فرآورده های این هنر تندیس یا مجسمه گفته می‌شود. هر پیکر یا سازه سه بعدی که به منظور دارا بودن یک بیان هنری آفریده شده را می‌توان تندیس نامید.
البته باید توجه داشت که هر شکل دادنی را مجسمه سازی نمی گویند بلکه باید در ورای آن یک فکر ایده یا یک نواوری وجود داشته باشد.

مجسمه سازی یکی از قدیمیترین و پویاترین هنرهاست، و مجسمه ساز (بیشتر پیکر تراش) در طول تاریخ معمولا از اعتبار زیادی برخوردار بوده است.

هنر مجسمه سازی در ایران باستان

چگونه پدران ما که در کلیه رشته های هنری تزیینی مهارت بخرج دادهاند به سبب یکتا پرستی در فن مجسمه سازی علاقه زیادی بخرج ندادهاند.

هنرمندان ایرانی با اینکه در تمام ادوار تاریخی در ایجاد نقوش برجسته روی سنگ مهارت فوقالعاده از خود نشان دادهاند، منتهی علاقه زیادی به ساختن مجسمه های سنگین یا برنزی نداشتهاند. اگر بخواهیم پیکر تراشی ایرانیان را با همین هنر در مصر و یونان مقایسه کنیم باید بگوییم پدران ما با وجود ذوقی که در تمام رشته های هنری داشتند از ساختن مجسمه، دوری میجستند. در حقیقت امروز صدها مجسمه سنگین و برنزی در یونان قدیم تقریباً برابر

آن در مصر قدیم به یادگار مانده و تعداد مجسمه های سنگی با برنزی ایران انگشت شمار است.

کم بودن مجسمه در ایران بی دلیل نیست.

یونانیان، خدایان متعدد خود را بصورت مجسمه در معابد خود قرار میدادند و آنها را پرستش می نمودند. مجسمه های سنگی و برنزی بیشماری نیز از قهرمانان خود در میدانها و معابر عمومی میگذاشتند.

مصریان عقیده داشتند که روح هر انسانی پس از مرگ به این جهان بر می گردد و برای اینکه آن روح سرگردان نشود مجسمه هایی از سنگ یا برنز یا چوب یا گچ می ساختند و در مکانهای امنی قرار میدادند و چون آن مجسمه ها کاملاً شبیه اشخاصی که مرده بودند ساخته میشد به عقیده آنان روح به آسانی میتوانست در آنها جای گیرد.

بعلاوه مصریان نیز خدایان خود را بصورت موجوداتی در سنگ یا برنز مجسم میکردند و در معابدشان قرار می دادند ایرانیان قبل اسلام، هنگامی که تمام ملل جز ملت نبود به خدایان متعدد اعتقاد داشتند و دارای مذهبی بودند که به توحید خیلی نزدیك بود.
هرودت که ایرانیان عهد هخامنشی را به هم میهنان خود در کتابی تحت عنوان «تاریخ» معرفی نموده تعجب می کنم از اینکه ایرانیان برای خدایان خود معبد و مجسمه ای نمی سازند و میگوید آنها برای انجام مراسم مذهبی خودشان روی بلندیها میروند و خداوند خود را به این طریق پرستش مینمایند.
در عهد ما هیچ مجسمه ای که خدای ایرانیان قدیم یعنی اهورامزدا را به ما نشان بدهد نمیشناسیم انسان بالداری که در پیشانی آرامگاه بعضی از پادشاهان هخامنشی نقش شده اهورامزدا نیست این فقط تقلیدی از نقوشی است که در همان زمان در آرامگاه های پادشاهان مصر نقش میشده و چون شاهنشاهان هخامنشی بر کشور مصر

تسلط یافته بود از بسیار از رسوم مصریان تقلید نمودند. هیچ مدرك کتبی یا منطقی به ما نشان نمیدهد که این نقش از اهورامزدا باشد.

با این حال وقتی اشکانیان خواستند رب النوع ناهید یا آناهیتا را نشان دهند آنرا بصورت زنی روی سنگ نقش کردند و به همین طریق اهورامزدا در عهد ساسانیان بصورت انسانی نقش شده که قدرت سلطنت را به پادشاهان ساسانی می دهد و مهر یا میترا نیز بارها بر روی نقوش برجسته در دامنه کوه ها بصورت انسانی نشان داده شده که اشعه متعدد، اطراف صورت او را احاطه کرده ولی هیچ یك از خدایان بصورت مجسمه ای که بتواند روی پایه ای قرار گیرد و اطراف آن آزاد باشد در دوران پیش از اسلام در ایران ساخته نشده است.
در کشورهای مجاور ایران یعنی هندوستان و مصر و یونان مجسمه های متعدد از دوران های قدیم باقی مانده. هندی ها مجسمه بودا را در معابد خود قرار می دادند. مصریها مجسمه فراعنه را میساختند و رومیها پیکر امپراطوران و سرداران را در سنگ میتراشیدند یا در برنز میریختند. تنها مجسمه ای که از شاهنشاهان قدیم ایران باقیمانده پیکر شاپور دوم میباشد که روی تخته سنگی طبیعی که در غازی در کنار دره شاپور قرار داشته تراشیده شده و معلوم نیست در چه زمانی مورد حمله انسانی قرار گرفته و به زمین انداخته شدهاست.

در این مجسمه سعی نشدهاست که شباهتی میان شاهنشاه و مجسمه وجود داشته باشد. و فقط از طرز آرایش مو و لباس و جزئیات دیگر تشخیص داده شد که قصد هنرمند مجسم نمودن شاپور دوم بوده است.

در این مقاله سه مجسمه زیبا که از دوره هخامنشی و اشکانی باقی مانده ارائه داده میشود.
چند سال پیش آقای علی سامی در تخت جمشید سر مجسمه کوچکی را پیدا کرد که از جنس سنگ لاجورد و تنها مجسمه قابل توجهی است که

تاکنون در تخت جمشید پیدا شده. صورت جوانی است در حدود ۲۲ سال موهای او مانند تمام موهائی که در دوران هخامنشی نقش شده مجعد است و بر سر او کلاه کنگره داری است که مخصوص پادشاهان یا وارثان بلا فصل آنها است.
کنگره نماینده شهر و پایتخت است بعداً بصورت تاج کنگره دار درآمده و علامت قدرت و حکومت است. این سر بصورت مجزی از بدن ساخته شده و روی بدن الصاق شده است. ابتدا گفته شد نقش جوانی خشایارشا است. بعداً گفته شد نقش داریوش اول است. هیچ معلوم نشده به چه مناسبت باید خشایارشا یا داریوش باشد. به هر حال تاج کنگره دار او علامت سلطنت است و چون داریوش اول وقتی به پادشاهی رسید بیش از یك جوان معمولی سن داشت بهتر است بگوئیم این سر مجسمه خشایارشا است. بدون شك نباید فرض کرد که شباهتی به شخص خشایارشا داشته باشد زیرا تمام نقوش برجسته تخت جمشید مانند شاهنشاه و خدمتگزار و سربازان بهم شبیه است به این معنی که سنگتراشان یك صورت خیالی برای همه در نظر گرفته و طبق آن شاه و سرباز و خدمتگزار را نقش کرده اند. تنها اختلافی که میان آنها وجود دارد جزئیات لباسی است که آنها را از یکدیگر متمایز می نماید.

چون کتیبه ای همراه این سر مجسمه نبوده نمی توان بطور قطع آن را به شاهنشاه معینی نسبت داد ولی چون خشایارشا بیش از سایر شاهنشاهان هخامنشی در تخت جمشید اقامت داشته، احتمال دارد این سر تصویر او باشد. جز این سر مجسمه، پیکر دیگری که در سنگ یا گچ تراشیده شده باشد یا در برنز ریخته شده باشد از دوره هخامنشیان در دست نیست. با این حال در مجموعه های خصوصی خارج از ایران چند مجسمه گلی کوچك وجود دارد که به دوره هخامنشی نسبت داده میشود ولی از نظر هنری به پای سر مجسمه نامبرده در بالا نمیرسد.
از دوره اشکانیان مجسمه های برنزی و گلی بسیار کوچك بدست آمده که بعضی دیگر به سبك ایران است ولی از همه آنها مهمتر دو

مجسمه است که هر دو در موزه ایران باستان قرار دارند و قابل مطالعه میباشد.

یکی از آنها سر مجسمه مرمری است که در حدود سی سال پیش در شوش بوسیله هیئت فرانسوی پیدا شد و باستان شناسان فرانسوی پس از مطالعه و تحقیق درباره آن اظهار کرده اند تصویر ملکه « موزا» زن فرهاد چهارم است که نژاد او ایتالیائی بود. ملکه موزا نیز تاج کنگره داری بر سر دارد ولی احتمال دارد شباهت مجسمه در این مورد با ملکه اشکانی کامل بوده باشد زیرا تمام جزئیات قیافه و حتی چین زیر گردن نشان داده شده.

احتمالاً ملکه موزا هنگامی که شبیه او را در سنگ می تراشیدند در حدود سی یا سی و دو سال داشته. قطعاً به تاج ملکه چیزهای دیگری الصاق شده بوده که امروزه از میان رفته چون قسمت پشت سر مجسمه صیقلی نشده. این مجسمه نیز روی بدن مجزایی قرار میگرفت و در کنار دیوار واقع میشده. در روی پیشانی مجسمه نام سنگ تراش بدین طریق به خط یونانی نوشته شده (آنتینوکوس پسر درایانتوس). بنابراین تنها مجسمه مرمر قابل توجهی که از عهد اشکانیان باقی مانده بدست سنگتراشان یونانی ساخته شده و این فرض تأیید میشود که هنرمندان ایرانی علاقه زیاد به ساختن مجسمه نداشتهاند.

مجسمه سوم متعلق بدوره اشکانی و از جنس برنز است. این مجسمه تمام قد است حتی کمی از قد معمولی انسانی بزرگتر است. میان سر و بدن که مجزی از هم ساخته شده تناسب صحیحی موجود نیست و باز میبینیم که ساختن مجسمه های دو قطعه یعنی بدن مجزی از سر در ایران مورد توجه بودهاست. هنر ساختن مجسمه های بزرگ برنزی در ایران زیاد معمول نبوده و اینطور به نظر می رسد که سازنده این مجسمه آشنایی به یك مجسمه سازی برنزی یونانی داشته. با این حال گذشته از فن برنز ریزی، سایر جزئیات پیکر سازی مربوط به این مجسمه کاملاً ایرانی است.

از مطالب بالا می توان چنین نتیجه گرفت که، ایرانیان که در تمام رشتهه ای هنری تزئینی مانند نقاشی، سنگتراشی، منبتکاری و غیره مهارت فوق العاده بخرج دادهاند در فن مجسمه سازی علاقه زیاد از خود نشان نداده اند و این عدم علاقه به ایجاد مجسمه، در تمام ادوار تاریخی پیش از اسلام و در دوران اسلامی همچنان ادامه داشته است.

مجسمه مکشوفی در شمی (از نواحی لرستان) بزرگترین مجسمه ای است که تا کنون در خاك ایران پیدا شده، و تنها مجسمه برنزی بزرگی است که از دورانهای قدیم ایرانیان به یادگار باقیمانده است. ولی مجسمه های کوچك خصوصاً از عهد اشکانیان و ساسانیان در کشور ما زیاد ساخته شده و تمام خصوصیات پیکر تراشی ایران نیز در این مجسمهه ای کوچك دیده میشود. با این حال مجسمه بزرگی از «اوتان» پادشاه «الحضر» از مرمر تراشیدهاند و اکنون در موزه موصل محفوظ است و ۲/۲۰ متر ارتفاع دارد و حال اینکه ارتفاع مجسمه شمی از ۱/۹۰ متر تجاوز نمیکند.

میگویند یکی از خصایص پیکر تراشی ایرانیان در عهد اشکانیان این بود که مجسمه را از مقابل میتراشیدند و به آن حرکت نمیدادند. مثلاً اگر مجسمهی مرمری را که از دوره اشکانیان است و امروز در موزه موصل محفوظ میباشد با مجسمه دیسك انداز، کار «میرون» مجسمه ساز معروف یونان در قرن چهارم پیش از میلاد مقایسه کنیم اختلاف زیاد میان آن دو مجسمه مشاهده می نمائیم. در مجسمه دیسك انداز یك پا عقبتر از پای دیگر قرار داده شده و کمر بطرف جلو خم شده و دست یکی بطرف عقب و یکی بطرف جلو به حرکت درآمده.

جهت دریافت هرگونه رساله و مطالعات معماری با قیمت پایین با ما تماس بگیرید.

۰۹۹۰۷۵۳۰۹۲۰